

دکتر حسین آسایش

دانشیار جغرافیا

## جایگاه مطالعات روستایی در برنامه ریزی توسعه روستاها بخش اول

Dr. Hossein Asayesh

### The Importance of Rural studies in view of Rural Expansion

Planning for the economical, social and educational expansion in the rural areas requires good understanding of the areas and their inhabitants. We find many views and recommendations by the home as well as some foreign experts in this article. Many documents and case studies, with facts and figures, are also presented here to prove the point.

the author argues that most of the economic and social ills of the countries such as Iran originate from the rural areas. The remedy showed therefore be sought there. There is no real urban development unless there are developments in the first place.

مقدمه:

این مقاله نسبتاً طولانی سعی بر آن دارد، تا با توسل به دلایل و شواهد متعدد و ارقام و اعداد مستند و احیاناً خسته کننده، برای عده ای\*، و به استناد مدارک زندگی را می نمایاند. همین اعداد خشک، بی روح و بی زبان، وضع اقتصادی و اجتماعی بشر را گویاتر از هر گوینده ای بازگو می کند و به تصویر می کشد.

در این مورد یکی از متخصصین آمار چنین می گوید: . . . من از اعداد و ارقام بیم دارم، زیرا این ارقام با نیروی جادویی خود می داند که در آینده چند نفر از نوزادان امروز به چه مشاغلی در زندگی آینده خواهند رسید، و اطرافیان و خود من تقریباً چند سال زنده خواهیم ماند. . . . من از صراحت آمار و ارقام می ترسم.

و اسناد معتبر و با استمداد از نظرات و توصیه‌های دانشمندان و صاحب نظران به نام ایرانی و خارجی، اهمیت و جایگاه روستایی و روستا را در برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی و اجتماعی و فرهنگی کشور برای چندمین بار مشخص کند و بگوید، اعم از این که جامعه ما، جامعه‌ای روستایی و یا جامعه‌ای صنعتی باشد، و اعم از این که شکوه کشتزارهای سبز و خرم جاذب گروهی از مردم، و یا جوش و خروش مناطق صنعتی کشور راه‌گشای مردم روستایی به سوی شهرها و مراکز صنایع باشد. به هر حال، آرمان توسعه اقتصادی و رفاه اجتماعی به سرنوشت و زندگی و کار همین گروه عظیم از هم‌میهنان ما بستگی دارد. و هر بررسی و تحقیقی که واقعیتی از حقایق و مسائل روستایی را آشکار سازد، ارزشی فراوان و پایگاهی ارجمند خواهد داشت خصوصاً در زمانی که در این نقاط با تجهیز نیروی عظیم انسانی که سالیان درازی در مراحل ابتدایی تولید قدم می‌زدند و در تمام قرون و اعصار، خودی و بیگانه چشم به اندک مایه آنان داشتند، خواه در بزم و خواه در رزم غارت می‌شده‌اند، اصلاح همه جانبه زیست و معاش را آغاز کرده‌ایم؟ مسلماً مطالعات روستایی بطور اعم و برنامه‌ریزی توسعه روستایی را بطور اخص می‌توان سرآغاز تحوکی بزرگ در جامعه روستایی و همچنین جامعه وابسته به آن یعنی شهرها دانست.

نهایتاً با توجه به تحلیلها و شاخصها و ارقام ارائه شده در سرتاسر مقاله، اهمیت پرداختن به توسعه مناطق روستایی کشور مشخص شده و نشان داده شده است که دیگر وقت آن است که به این مسائل به صورت (باید) نگریسته شود. چون هر درد اجتماعی و اقتصادی در کشور ما مثل اکثر کشورهای جهان سوم ریشه در روستا دارد بنابراین درمان آن را نیز باید در روستاها جستجو کرد. تا روستا توسعه نیابد شهر توسعه نخواهد یافت تا روستایی در رفاه مطلوب نباشد شهری در رفاه نخواهد بود این طبیعت و خواست زمان است. گذشت آن زمان که شهری فقط به خود و رفاه خویش بیندیشد و جمعیت انبوه روستایی را به حال خود رها کند. جامعه‌ای که روستایی فقیر خود را هر عنوان فراموش کند و به حال خودش رها سازد، در حقیقت خود را از یک منبع بسیار مهم توسعه محروم ساخته است.

### وسعت و ابعاد مسأله روستا\*:

روستا و روستانشینی بحثی نیست که فقط مربوط به کشور ما باشد، بلکه گستره اش تمام کشورهای جهان سوم، حتی برخی از کشورهای پیشرفته را نیز در بر می گیرد و با جرأت می توان گفت این گستره به پهنای زمین وسعت دارد. زیرا فردی در سطح کره پیدا نمی شود که از تولیدات روستا و کشاورزی بی نیاز باشد. خواه این فرد غنی باشد و در خانه های ویلایی در حومه شهرهای بزرگ دنیا که دارای باغ مشجر، یا در طول سواحل پرتالو است زندگی کند، یا در آسمان خراشهای صد طبقه. و یا در کلبه های حصیری بدنما و فشرده بهم در فاولا (Favella)، یا زاغه ای بر روی تلی از خاک.

بر اساس آمارهای موجود در سال ۱۹۹۲ بیش از ۵۷ درصد از مردم جهان در سکونتگاههای روستایی زندگی می کردند<sup>۱</sup>. یعنی بالغ بر ۳ میلیارد انسان که عددی بسیار بزرگ و گیج کننده است.

البته این ارقام، روستا-شهرهای با جمعیت کمتر از صد هزار نفر را شامل

---

\* ممکن است در بدو امر تعیین و تشخیص ده و تعیین مرزهای آن و نهایتاً تمیز ده از شهر کاری آسان به نظر آید. ولی این تصور ساده اندیشانه است. زیرا تعریف ده و تفکیک آن از شهر کاری ساده نیست. به همین علت است که تعریف ده و شهر از مدتها قبل مورد بحث دانشمندان علوم انسانی است، و هر کدام ملاک معینی را برای تعریف حدود این دو سکونتگاه همجوار ولی متفاوت بیان کرده و کتابها و مقالاتی نوشته اند. و این بدان دلیل است که عوامل متعدّد و جامع الجهات در بررسی این دو محیط باید مد نظر قرار گیرد که گاهی مورد توجه قرار نمی گیرد. با در این بحث از اصول تعیین و تشخیص مرکز آمار ایران استفاده کرده ایم. البته این نیز به نوبه خود قابل اطمینان نیست و بنا به دلایل مذکور ناقص است. زیرا در این تعیین و تشخیص، اصلاً جنبه های جامعه شناسی، اقتصادی و اجتماعی در نظر گرفته نشده است. تعداد زیادی از شهرهای ایران با وجود جمعیت بالنسبه قابل توجه از لحاظ اصول شهرنشینی سیمای دهکده های بزرگ را دارند.

نمی‌شود. برای این که این رقم واقعیت‌رسان باشد معمولاً جمعیت شهرهای زیر صد هزار نفر را نیز بر آن می‌افزایند. در اصل هم نمی‌توان آنها را بویژه در کشورهای جهان سوم جزء جمعیت شهرنشین محسوب کرد.

بر اساس برآورد سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ حدود ۱۴/۷۸ درصد جمعیت دنیا در روستا-شهرها زندگی می‌کردند که با این حساب کل جمعیت روستاییان از مرز ۷۰ درصد می‌گذرد<sup>۲</sup>

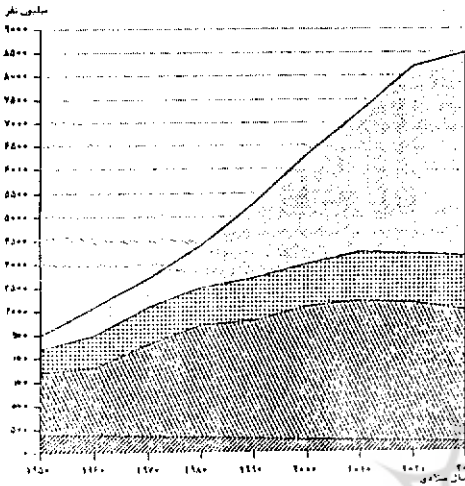
در کشورهای کمتر توسعه یافته آفریقا و آسیا سهم جمعیت روستایی نسبت به کل جمعیت هر کشور از ۸۰ درصد هم فراتر می‌رود. برای مثال، در اروپا ۸۸ درصد جمعیت کشور روستایی هستند. این نسبت برای کشورهای کنیا، تانزانیا و اوگاندا به ترتیب عبارت است از ۷۸ درصد، ۸۰ درصد و ۹۰ درصد. کشورهای آسیای جنوبی نیز تقریباً همین وضعیت را دارند. جمعیت روستایی کامبوج بالغ بر ۸۹ درصد، در نپال ۹۳ درصد و در بنگلادش ۸۶ درصد جمعیت کل را تشکیل می‌دهند.<sup>۳</sup> این واقعیت که حدود  $\frac{۲}{۳}$  جمعیت جهان در مناطق روستایی ساکن هستند، علاوه بر این که توجه کافی و مناسبی برای بذل توجه به جایگاه برنامه ریزی روستایی در برنامه‌های ملی و منطقه‌ای است، عظمت مقیاس مسأله را نیز نشان می‌دهد. اگر چه نسبت جمعیت روستایی جهان در سال ۲۰۰۰ میلادی احتمالاً از  $\frac{۱}{۳}$  به  $\frac{۲}{۳}$  کاهش خواهد یافت، اما افزایش رقم مطلق جمعیت روستایی از ۶۵۳ میلیون نفر در فاصله سالهای ۱۹۵۰-۱۹۷۵ به ۷۷۰ میلیون نفر در طی سالهای ۱۹۷۵-۲۰۰۰ خواهد رسید. (جدول شماره ۱)

جدول (۱) جمعیت روستایی و شهری جهان (۲۰۰۰-۱۹۵۰)

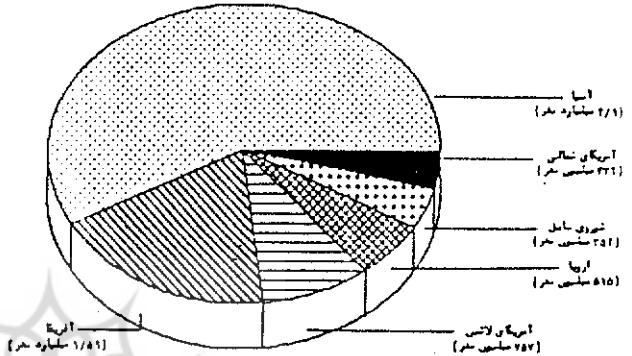
| ۲۰۰۰            | ۱۹۷۵      | ۱۹۵۰     |         |
|-----------------|-----------|----------|---------|
| ۳۲۰۰            | ۱۶۴۹+۱۵۵۱ | ۸۵۰+۷۰۱  | شهری    |
| ۳۲۰۷            | ۷۷۰+۲۴۳۷  | ۶۵۳+۱۷۸۴ | روستایی |
| ۶۴۰۷ میلیون نفر | ۳۹۸۸      | ۲۴۸۵     | جمع     |

مأخذ: جرج برابری، بانک جهانی، واشنگتن ۱۹۷۵.

جمعیت شهری و روستایی جهان از سال ۱۹۵۰ تا سال ۲۰۲۵  
پیش‌بینی با فرض توسعه



پیش‌بینی جمعیت برخی کشورها و مناطق جهان  
در سال ۲۰۲۵ میلادی



- جمعیت روستایی  
 جمعیت شهری  
 جمعیت کل  
 جمعیت روستایی  
 جمعیت شهری  
 جمعیت کل

این بدان معناست که جهان بشریت، بویژه دنیای در حال توسعه، از جمله کشور ما ایران علی‌رغم تمام پیشرفتهای صنعتی و گسترش شهرنشینی، و مهاجرت روستاییان به شهرها، همچنان بطور عمده روستایی است و بر اساس پیش‌بینی‌های انجام شده حداقل برای چند دهه آینده، جهان همچنان عمده روستایی باقی خواهد ماند. و بنا بقولی زمانی که جهان دیگر «روستایی» نباشد ممکن است «شهری» هم نباشد.

در این گونه کشورها، روستا، نه فقط از نظر استقرار و جایگزینی جمعیت حائز اهمیت است، بلکه مهمتر از آن نقشی است که در مجمره حیات اقتصادی این کشورها ایفا می‌کند. ۵۹٫۶ درصد از جمعیت فعال کشورهای در حال توسعه در سال ۱۹۹۰ در بخش کشاورزی فعالیت می‌کردند، که این نسبت در کشورهای پیشرفته فقط ۸٫۳ درصد بوده است.<sup>۴</sup>

اطلاعات ارائه شده همچنین بیانگر این واقعیت است که در بیشتر کشورهای

در حال توسعه وابستگی بیش از اندازه‌ای به کشاورزی وجود دارد، علی‌رغم کنشها و واکنشهای گوناگون دولتهای این منطقه، بین ۷۵ تا ۹۰ درصد نیروی کار کشورهای کم‌درآمد و بین ۵۰ تا ۷۰ درصد نیروی کار کشورهای با درآمد متوسط در بخش کشاورزی متمرکز می‌باشند.<sup>۵</sup>

درصد نیروی کار در کشاورزی برای کشور اندونزی ۵۱ درصد، مالزی ۵۱ درصد، سریلانکا ۵۴ درصد، بنگلادش ۷۴ درصد، پاپواگینه نو ۸۲ درصد، تانزانیا ۸۳ درصد و ویتنام ۷۱ درصد گزارش شده است. البته این یک بُعد از ابعاد مسأله روستاست که به نوبه خود اهمیت و جایگاه روستا و توجه به آن را در صحنه‌های منطقه‌ای و ملی و بین‌المللی در کشورهای در حال توسعه بازگو و تأکید می‌کند.<sup>۶</sup> و اما بُعد دیگر، کیفیت بسیار رقت‌انگیز زندگی در مناطق روستایی این کشورهاست که اقدام سریع، ابتکاری، مداوم و بی‌وقفه را در چهارچوب نظام دقیق برنامه‌ریزی روستایی می‌طلبد. برنامه‌ای که در خدمت دو هدف رشد اقتصادی و برابری باشد و بر زندگی میلیونها زارع کوچک ساکن روستاها اثر گذارد و برای بهبود زندگی اقتصادی و اجتماعی گروه مشخصی از مردم که همان روستاییان فقیرند طراحی شود.

مسأله اساسیتر و مهتر، فقر در کشورهای در حال توسعه و برپزه در مناطق روستایی این کشورهاست. اطلاعات موجود در جدول شماره یک که در بالان نشان داده شد همه ماجرا نیست، عظمت و هراس انگیزی مسأله وقتی ماهیت اصلی و واقعی خود را نشان می‌دهد که بدانیم بیش از سه چهارم مردم فقیر جهان در مناطق روستایی زندگی می‌کنند. تقریباً ۴۰ درصد روستاییان تمام کشورهای در حال توسعه در فقر مطلق به سر می‌برند، که در کشورهای کم‌درآمد این رقم به ۵۰ درصد می‌رسد.\*

سازمان ملل تخمین می‌زند که بین  $\frac{1}{3}$  تا  $\frac{1}{4}$  ساکنان کره زمین گرسنه و یا

---

\* فقر مطلق یعنی زندگی کردن در شرایطی که سطح تغذیه ناکافی، بیسوادی و بیماری در آن پایین‌تر از هرگونه تعریف معقول شخصیت و لیاقت انسانی قرار داشته باشد. (۶) درآمد سرانه در این مناطق از ۵۰ دلار در سال کمتر است (به دلار ۱۹۶۹). این سطحی از درآمد است که برای تأمین حداقل شرایط برای زندگی ناکافی شناخته شده است.

دچار سوء تغذیه اند. سه نفر از چهار نفر نه مسکن کافی دارند و نه آب سالم و کافی. برآورد شده است «هنگامی که شما امروز شام خورده‌اید حدود ۱۴۰۰ نفر از گرسنگی، سوء تغذیه و یا امراض ناشی از این شرایط مردند. فردا در این ساعت ۴۱۰۰۰ نفر از گرسنگی و یا امراض وابسته خواهند مرد. هفته دیگر در این ساعت این تعداد به ۲۱۷۰۰۰ و سال دیگر به حدود ۱۵ میلیون نفر خواهد رسید. نصف این تعداد را کودکان پایین تر از ۵ سال تشکیل می‌دهد و بین ۷۰ تا ۸۰ درصد آنان روستاییان هستند. آنهایی که مردند انسان بودند نه ارقام و اشیاء».\*



چهره زشت و اسهال و گرسنگی - تصویر این دختر دوازده ساله اهل ونزویلا تاثير كسوف پروتئين را كه ميليونها كودك را نهديم بكنند يمانان ميدهد.



همان كودك در ده ماه بعد ، تغذيه خوب و سالم او را شاداب ساخته است .

نمونه‌های زیر که از گزارش توسعه انسانی سازمان ملل در سال ۱۹۹۰ استخراج شده است نشان می‌دهد که در زمینه خدمات اجتماعی چگونه مناطق

\* زیستن در محیط زیست - پروفیسور جی. تی. میلر - ترجمه دکتر مجید مخدوم. انتشارات

دانشگاه تهران صفحه ۴.

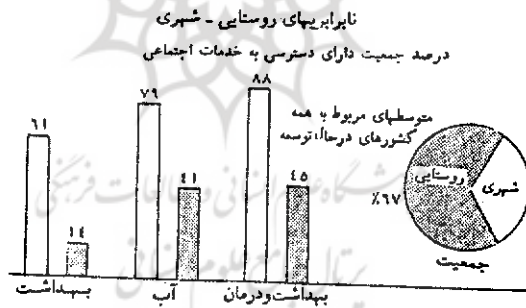
روستایی به صورتی نظامدار از مناطق شهری عقب می ماند:

مرگ و میر اطفال: در مورد چندین کشور آمریکای مرکزی، آفریقا و آسیا مرگ و میر اطفال در مناطق روستایی بطور کلی ۳۰ تا ۵۰ درصد بالاتر از مناطق شهری است.

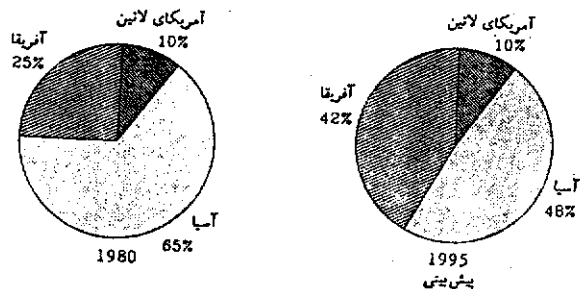
امید به زندگی: روستاییان امید به زندگی کمتری (۵۹ سال) از شهریان (۷۳ سال) دارند.

تغذیه: اطلاعات موجود درباره وضعیت تغذیه کودکان در ۳۱ کشور، بدون استثناء نرخهای سوء تغذیه بالاتری، بطور متوسط با ۵۰ درصد را در مناطق روستایی نشان می دهد.

باسوادی: در ارتباط با کشورهای انتخابی در آفریقا و آسیا، در مناطق روستایی نرخهای بیسوادی دو برابر مناطق شهری است. در آمریکای لاتین، نرخهای روستایی در مورد زنان سه برابر و برای مردان ۴ برابر نرخهای شهری است.



فقر مطلق به تفکیک منطقه





تسهیلات بهداشتی: در همه کشورهای در حال توسعه، دسترسی به مراقبتهای بهداشتی در مناطق شهری بهتر از مناطق روستایی است. در حدود ۲۰ کشور در حال توسعه، درصد جمعیت تحت پوشش تسهیلات بهداشتی در مناطق شهری بیش از دو برابر جمعیت تحت پوشش در مناطق روستایی است.

تسهیلات آب و بهداشت محیط: در ارتباط با تدارک آب و بهسازی تفاوتیهای حتی بیشتری بین مناطق شهری و روستایی به چشم می خورد. پوشش جمعیت روستایی از این بابت بطور متوسط کمتر از نصف پوشش جمعیت شهری است.

درآمد: در کشورهای در حال توسعه، درآمد شهری برای هر نفر ۵۰ تا ۱۰۰ درصد بالاتر از درآمد روستایی است (مراجعه شود به پیوست یک آخر مقاله). برآورد شده است که حدود ۸۰ درصد از ۷۵۰ میلیون نفر فقیر جهان در مناطق روستایی زندگی می کنند. این مردم ۷۰ درصد از مجموعه جمعیت کشورهای در حال توسعه آسیا، ۲۳ درصد از مجموعه جمعیت آفریقا و ۸ درصد از مجموعه جمعیت کشورهای آمریکای لاتین را تشکیل می دهند. در این کشورها، دسترسی مردم شهرنشین به خدمات بهداشتی و آب سالم دو برابر و به خدمات بهسازی چهار برابر روستاییان است.<sup>۷</sup>

اینها همه دانستنیها نیست. علاوه بر اینها باید بدانیم که در سال ۱۹۸۰ در حدود ۹۳۵ میلیون نفر در کشورهای در حال توسعه فاقد زمین بوده و یا در ردیف خانوادههای بی زمین قرار گرفته بودند. چنین می نماید که هم اکنون ۱/۳ جمعیت کشورهای در حال توسعه فاقد زمین بوده و یا مثل این که زمینی در اختیار ندارند. زیرا مقدار زمینی که در تصرف هر فرد است نمی تواند زندگی آنها را تأمین کند و در حقیقت در ردیف خانوادههای بی زمین قرار می گیرند.

در کشورهای: بنگلادش، فیلیپین، سریلانکا، پرو، السالوادور در حدود ۷۵-۸۰ درصد خانوادههای روستایی تقریباً فاقد زمین می باشند.<sup>۸</sup>

اگر مساحت اندک بهره برداریهای کشاورزی در کشور خودمان را مورد توجه قرار دهیم سیمای تیره تر از آنچه گذشت مشاهده می شود. از ۲ میلیون و ۶۶۰ هزار

بهره بردار کشاورزی در مناطق روستایی کشور در سال ۱۳۶۱، حدود ۳/۵ درصد کمتر از یک هکتار، ۱۵/۳ درصد یک تا کمتر از ۲ هکتار زمین در اختیار داشتند<sup>۹</sup>.  
واقع امر این است که رشد جمعیت در کشورهای رو به رشد به حد هشدار دهنده رسیده است و این امر موجبات نگرانی و اضطراب انسان امروز را به سرنوشت فردایش فراهم ساخته است. اما می توان به مدد منابع موجود و بالقوه روستاها و بخش کشاورزی و بهره گیری همه جانبه از مطالعات روستایی و برنامه ریزی «همه جانبه» روستایی برای تأمین و پاسخگویی به نیازهای جامعه، در حال و آینده اقدام کرد.

### اهمیت و جایگاه روستا در ایران:

در ایران نیز مانند سایر کشورهای جهان سوم، تعداد جمعیت روستایی طی دهه های گذشته، رو به افزایش بوده است. بطوری که جمعیت روستایی از ۱۳ میلیون نفر در سال ۱۳۳۵ به حدود ۱۵ میلیون نفر در سال ۱۳۴۵ و ۱۷/۵ میلیون نفر در سال ۱۳۵۵ و ۲۳ میلیون نفر در سال ۱۳۶۵ و بالاخره به ۲۵ میلیون نفر در سال ۱۳۷۰ رسیده است. پیش بینی می شود طی دهه های آینده به سیر صعودی خود ادامه دهد، و در دو دهه دیگر یعنی در سال ۱۳۹۰ به ۴۵ میلیون نفر برسد. (در سال ۱۳۳۵ بطور متوسط در هر آبادی ۲۶۰ نفر زندگی می کردند. این رقم در سال ۱۳۶۵ به ۳۴۲ نفر افزایش یافته است) برای این که این رقم واقعیت باشد طبق روش متداول لازم است حداقل جمعیت ساکن شهرهای تا ۲۵۰۰۰ نفر را بر آن بیفزاییم. نسبت این گونه سکونتگاهها در سرشماری ۱۳۶۵ در حدود ۷ درصد کل جمعیت کشور و حدود ۱۳ درصد جمعیت شهرنشین کشور می باشد (جدول ۲)

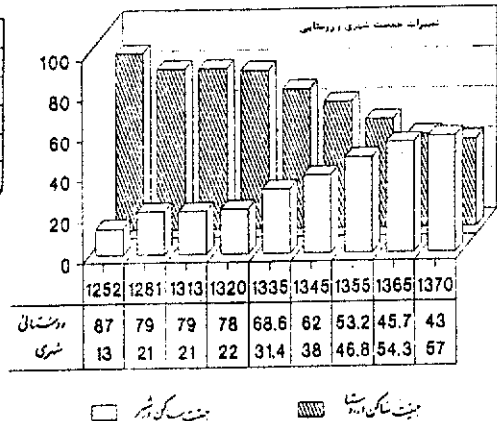
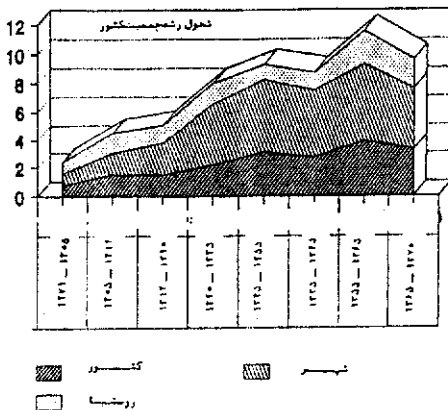
در سال ۱۳۶۵ جمعاً تعداد ۳۴۲ مکان جغرافیایی که کمتر از ۲۵ هزار نفر جمعیت داشتند، جزو شهرها به حساب آمده است. که از این تعداد ۱۴۵ شهر بین ۱۰ تا ۲۵ هزار نفر جمعیت و ۱۱۳ شهر بین ۵ تا ۱۰ هزار نفر و ۶۴ شهر بین ۲ تا ۵ هزار نفر جمعیت و بالاخره ۲۰ شهر کمتر از ۲ هزار نفر جمعیت داشته است.

جدول ۲- اجزاء روستا، روستا شهری، و شهری جمعیت (۳۵-۱۳۶۵)

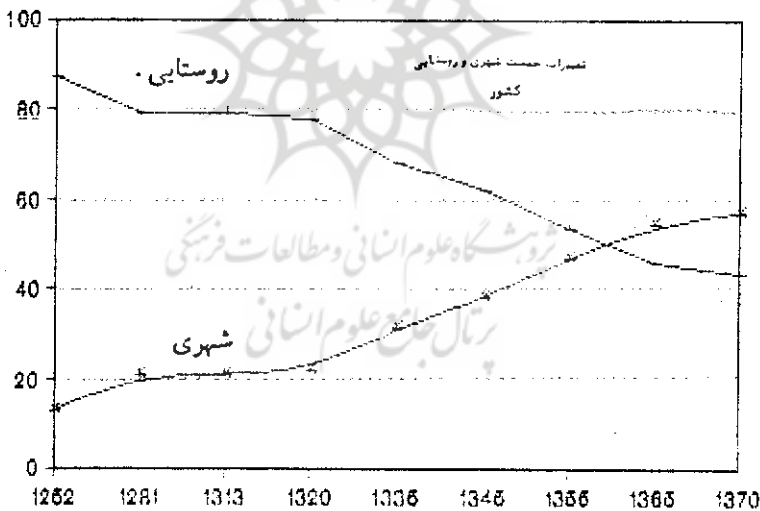
| سال  | روستایی (به درصد) | روستا شهری (به درصد) | شهری (به درصد) | جمع (به درصد) |
|------|-------------------|----------------------|----------------|---------------|
| ۱۳۳۵ | ۶۸٫۷              | ۸٫۱                  | ۲۳٫۲           | ۱۰۰           |
| ۱۳۴۵ | ۶۲٫۱              | ۷٫۶                  | ۳۰٫۳           | ۱۰۰           |
| ۱۳۵۵ | ۵۲٫۸              | ۸٫۵                  | ۳۸٫۵           | ۱۰۰           |
| ۱۳۶۵ | ۴۵٫۴              | ۶٫۹                  | ۴۷٫۶           | ۱۰۰           |

مأخذ: نتایج سرشماری های رسمی کشور (مرکز آمار ایران).

اکثر این شهرها، قبل از تشکیل شدن، دارای وظایف و عملکردهای روستایی بوده اند، اما افزایش جمعیت و رسیدن به حد نصاب تعیین شده، موجب شده تا آنها از دید سازمانهای کشوری مشمول ضوابط شهری شوند و زیر حمایت و کمکهای خاص قرار گیرند. این خود یکی از جاذبه های شهرنشینی و دافعه های روستانشینی می باشد. می توان گفت نزدیک به ۴۰ درصد تمامی شهرهای ایجاد یافته در دوره های اخیر، دارای چهره ای با حفظ نهادها و سازمانهای روستایی می باشند که به صورت حلقه هایی، روستاهای اطراف خود را با جوامع شهری مرتبط می سازند، و به علت وجود ناهمانگی، در وظایف و حیطه عمل دستگاههای مختلف اجرایی، که برخی در شهرها و برخی در روستاها مسؤول تأمین خدمات هستند، اینگونه شهرها در حاشیه خدماتی دستگاهها قرار گرفته و هیچ گاه از سهم چشم گیری در زمینه خدمات، بهره نبرده اند.



به موجب این ویژگیها جامعه ایرانی بیشتر یک جامعه روستایی است، اگر چه ممکن است میزان نسبتاً بالای شهرنشینی (۵۷ درصد) منعکس کننده ویژگیهای روستایی نباشد. زیرا علاوه بر محاسبات قبلی که بیان شد، جمعیت شهرنشین ایران بیشتر در تهران (۲۷ درصد) متمرکز شده اند، که اگر جمعیت تهران را از جمعیت شهرنشین کشور کسر کنیم، آن وقت روشن خواهد شد که اکثریت با روستانشینان است. اگر چه از لحاظ تعاریف سرشماری و آمارگیری جزء شهرنشین محاسبه شده اند. به عنوان نمونه نسبت روستانشینی در ۵ شهرستان از ۷ شهرستان استان تهران در سال ۱۳۶۵ بیش از ۵۰ درصد بوده است، این نسبت در شهرستان شمیرانات به ۷۲ درصد می رسد<sup>۱</sup>. هنوز ۹۱ درصد از جمعیت شهرستان هشتگرد را ساکنین روستاها تشکیل می دهد.



به موجب آخرین آمارگیری جمعیت کشور در سال ۱۳۷۰، در ۱۶ استان از ۲۴ استان کشور نسبت جمعیت روستانشین بالاتر از شهرنشین است. و این نسبت در استانهای کهگیلویه و بویراحمد با (۷۳ درصد)، در چهارمحال بختیاری با (۶۳/۶

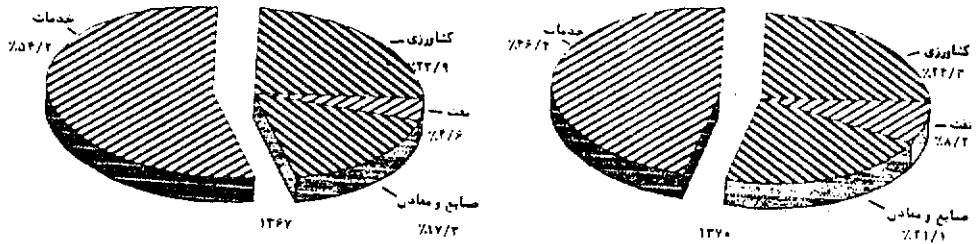
درصد)، و گیلان با (۶۲/۳ درصد) به اوج خود می‌رسد<sup>۱۱</sup>. (میانگین جمعیت آبادیهای استان تهران از ۲۲۴ نفر در سال ۱۳۴۵ به ۲۸۷ نفر در سال ۱۳۵۵ و به ۷۰۳ نفر در سال ۱۳۶۵ افزایش یافته است) واقعیت این است که تهران هر چه داشته باشد: اتوبان، بلوار، بزرگراه، خیابان، پارک وی، پارک شهر، مترو، آسمانخراش، وزارتخانه، کارخانه... عجالتاً کشور، علی‌رغم این داشتن‌ها و همه تلاشها و رشد سریع شهرنشینی و مهاجرت بسیاری از روستاییان به شهرها و خالی شدن تعداد قابل توجهی از روستاها از جمعیت (۱۱/۶ هزار آبادی فقط در فاصله دو سرشماری ۱۳۵۵ و ۱۳۶۵) باز از لحاظ تعداد جمعیت (صرفنظر از دیگر شاخصهای اجتماعی-اقتصادی) در ردیف کشورهای است که جمعیت روستانشین آنها بالاست. و این واقعیت ابعاد مسأله روستا را در کشور ما نشان می‌دهد.

در انگلستان فقط ۲ درصد از جمعیت فعال در بخش کشاورزی کار می‌کنند. در ژاپن این رقم به ۶/۴ درصد می‌رسد در آمریکا این نسبت در حدود ۲/۴ درصد است. ولی اگر چه در سالهای اخیر نسبت نیروی کار در بخش کشاورزی به نیروی کار کشور، کاهش یافته است، باز بر اساس برآوردهای سازمان خواربار و کشاورزی جهانی در سال ۱۹۹۰ بیش از ۲۷ درصد کل جمعیت فعال کشور ما را شاغلین بخش کشاورزی تشکیل می‌دادند. در سرشماری عمومی نفوس و مسکن مهرماه ۱۳۶۵، از کل شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر کشور ۲۹/۵ درصد در بخش کشاورزی به کار اشتغال داشتند.

### محاسبات دیگر:

برای اینکه بتوانیم گفتار خود را بیشتر با زبان اعداد که بهترین روش در بررسیهای اقتصادی و اجتماعی است بیان کنیم، علاوه بر ارقام و اعداد بالا، ذیلاً بر محاسبات نمونه‌ای مختصری که جایگاه خاص روستاهای کشورمان را در اقتصاد کشور نشان می‌دهد متوسل می‌شویم:

## ترکیب تولید ناخالص داخلی



بخش کشاورزی و تولیدات روستایی تنها بخش اقتصادی ایران می باشد که ارزش افزوده آن در سالهای بعد از انقلاب اسلامی بویژه در سالهای ۱۳۶۴ و ۱۳۶۵ افزایش یافته، و پیش بینی می شود که در سالهای بعد نیز افزایش داشته باشد. این بدان جهت است که سایر بخشهای اقتصادی کشور (به خصوص بخش صنعت) به علت وابستگی شدید به خارج و نیازهای ارزی فوق العاده خود، شدیداً تحت تأثیر نوسانات درآمدهای ارزی کشور بوده اند. در صورتی که بخش کشاورزی و تولیدات روستایی به علت عدم نیاز به تکنولوژی پیچیده می تواند تا حد بسیار زیادی فارغ از نوسانات ارزی در وضعیتهای بحرانی به رشد خود ادامه دهند و یا در شرایطی که در فاصله سالهای ۱۳۶۵-۱۳۵۶ تولید ناخالص داخلی به قیمت بازار و با قیمتهای ثابت بطور متوسط سالانه ۲٫۷۹ درصد کاهش داشته، ارزش افزوده بخش کشاورزی بطور متوسط سالیانه ۴٫۳۲ درصد رشد نشان داده است.

نکته بسیار مهم آنکه بر اساس آمار و اطلاعات منتشره توسط بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران، در دوره ۶۲-۱۳۴۴ ضریب سرمایه به تولید به قیمتهای ثابت در بخش کشاورزی برابر ۲٫۳۶ بوده، در حالی که در سایر بخشهای اقتصادی این رقم برابر با ۴٫۲۳ و در کل اقتصاد کشور برابر با ۴٫۰۴ بوده است. به عبارت دیگر این ارقام نمایانگر این واقعیت است که برای افزایش یک واحد ارزش افزوده در بخش کشاورزی معادل ۲٫۳۶ واحد سرمایه گذاری لازم است. در حالی که برای بالا بردن

همین یک واحد ارزش افزوده در سایر بخشهای اقتصادی معادل ۴/۲۳ واحد و در کل اقتصاد معادل ۴/۰۴ واحد سرمایه گذاری لازم است. این ضرایب نشان می دهد که بخش کشاورزی و بستر جغرافیایی آن روستاها، می تواند به عنوان محور، موجبات توسعه ملی اقتصاد کشور را فراهم آورد.

سهم بخش کشاورزی از درآمد ناخالص ملی در سال ۱۳۶۹ بالغ ۶۴۱۳/۱ میلیارد ریال، در حدود ۱۸/۷ درصد، درآمد ناخالص ملی کشور بوده است. و اگر درآمد نفت را از درآمد ملی حذف کنیم در آن صورت باید قبول کرد که هنوز سهم کشاورزی در درآمد ملی ما قابل توجه بوده و بیشتر از سهم صنایع است.

### نقش تولیدات کشاورزی و روستایی در صادرات کشور:

بر مبنای گزارشات مرکز توسعه صادرات ایران در سال ۱۳۷۰ ارزش صادرات فرآورده های کشاورزی بالغ بر ۴۶۸۰۴ میلیون ریال (۶۹۵ میلیون دلار) برآورد شده است. که اگر ارزش صادرات مربوط به فرش و صنایع دستی به مبلغ ۷۷/۱۶۰ میلیون ریال (۱۱۴۷ میلیون دلار) را که به هر صورت جزو تولیدات روستایی به حساب می آید، به این رقم اضافه کنیم، مبلغ بزرگی در حدود ۱۲۴ میلیارد ریال (۱۸۴۲ میلیون دلار) خواهد بود. این مبلغ برابر است با ۷۴ درصد کل صادرات غیر نفتی کشور در سال مذکور. برای تخمین درآمد حاصله از این راه، به عنوان مثال کافی است بدانیم که در سال ۱۳۷۰ ارزش حاصله از صدور پسته، بالغ بر ۳۳۹ میلیون دلار گزارش شده است<sup>۱۲</sup>. ضمناً برای مقایسه کافی است اشاره شود که ارزش کل صادرات خشکبار در سال ۱۳۶۹ به تنهایی بالغ بر سه برابر ارزش کل صادرات کالاهای صنعتی در سال مذکور می باشد<sup>۱۳</sup>. ارقام بالا نشانه ای دیگر از توان بالای بخش کشاورزی و روستاها در اقتصاد صادراتی کشور ماست. آنهم در روزگاری که به دست آوردن ارز خارجی یکی از آرزوها و یا به عبارت صحیحتر نیازهای حیاتی کشورهای جهان سوم است. از همه مهمتر، این رشد ارزش افزوده و اقلام صادراتی و درآمد ارزی مربوط به زمانی است که ما درگیر جنگ تحمیلی بودیم و استانهای غربی کشور ما، و یا به

عبارت دقیق تر استانهای حاصلخیز کشاورزی کشور ما که زمانی به انبار غله کشور شهرت داشتند، همه دچار مشکلات عدیده ای بودند. \* به قولی دیگر مربوط به زمانی است که زمین فریاد می زد که من مصدر رویشم نه عرصه تاخت و تاز، توپ و تانک، مکانی که در آن گندم می روید، مکانی که در آن می شود کاشت، داشت و برداشت و زندگی کرد. من برای سوختن نیستم، برای ساختم، برای آباد کردنم، آنان که مرا می سوزانند، زندگی را می سوزانند، و بالاخره انسان را و هستی را می سوزانند.

گفتنی است که این رشد ارزش افزوده و درآمدها یا محاسبات، مربوط به زمانی است که از ۵۱ میلیون هکتار اراضی قابل کشت کشور فقط ۱۸/۵ میلیون هکتار، مورد بهره برداری قرار داشته و ۶۳ درصد از منابع بلااستفاده باقی مانده اند. از ۱۳۵ میلیارد متر مکعب منابع آبهای سطحی و زیرزمینی، ۵۸ میلیارد متر مکعب با راندمان محدود در کشاورزی کشور مورد استفاده بوده و ۷۷ میلیارد متر مکعب یا بیش از ۵۷ درصد از منابع آب بلااستفاده به هدر می روند. از ظرفیت چرای مراتع تنها ۲۵ درصد استفاده می شود و از ۶۳۵ هزار تن امکانات تولید ماهی و آبزیان تنها حدود ۱۷۰ هزار تن مورد بهره برداری قرار گرفته و بیش از ۷۳ درصد از امکانات بلااستفاده باقی مانده اند.

این بدان معناست که از هر سه لیتر آب بهره برداری شده بیش از ۲ لیتر آن در مسیر انتقال تا سر مزرعه هز می رود. به علت پایین بودن میزان برداشت محصول از واحد سطح، می توان گفت عملاً فقط حدود نیم هکتار از هر هکتار مزرعه به زیر کشت می رود.

راندمان و عملکرد تولید اکثر محصولات کشاورزی در سطح پایین است. بویژه در بعضی از محصولات کشاورزی، عملکرد تولید در هکتار  $\frac{1}{3}$  یا  $\frac{1}{4}$  سایر

---

\* بخش کشاورزی مانند سایر بخشها در اثر وقوع و ادامه جنگ تحمیلی خسارات فراوانی دیده که بر اساس گزارش سازمان برنامه و بودجه، جمع رقم آن تا پایان سال ۱۳۶۴ حدود ۳۵۰۰ میلیارد ریال برآورد شده است. این منبع قریب ۱۴ درصد کل خسارات جنگ را تشکیل داده، که بالطبع تأثیر آن در کاهش قدرت کشاورزی و تولید بیشتر دارای اهمیت می باشد.



کشورهاست، گاهی موارد کمتر از این مقدار نیز دیده می‌شود، نظیر آن که عملکرد تولید گندم در سال ۶۸-۱۳۶۷ در ایران برابر ۱۱۱۴ کیلو در هکتار بوده است. در حالی که این عملکرد در سال ۱۹۸۸ در هلند ۷۱۳۰ کیلو، در دانمارک ۷۰۳۰ کیلو و در آلمان غربی ۶۸۲۰ کیلو در هکتار بوده است<sup>۱۴</sup>

از آب و خاک که بگذریم، گفتیم ۵۰ درصد جمعیت ایران در روستاها ساکن می‌باشند و از طریق کشاورزی امرار معاش می‌کنند. انسانهایی که با اذعان همه بیش از سایر مردم کار می‌کنند و کمتر از دیگران بهره می‌برند. «۳۹٫۶ درصد کل جمعیت روستایی با درآمدی کمتر از ۱۹۶۰۰۰ ریال زیر خط فقر قرار دارند»<sup>۱۵</sup>، مصداق بارز پدیده «فقر روستایی در عین وفور نعمات».

بدون شک با انجام برنامه‌های گسترده «آب و خاک»، انجام عملیات لازم زیربنایی، افزایش قابلیت بهره‌دهی منابع، استفاده صحیح از نهاده‌ها و تکنولوژی مناسب، و ایجاد نظامهای بهره‌برداری مساعد و قابل انطباق با شرایط اقلیمی و سستی کشاورزان در پرتو برنامه‌ریزیهای دقیق، می‌توان توفیق لازم را در توسعه کشاورزی و بهسازی روستایی به دست آورد و از این طریق استقلال واقعی کشور را تضمین کرد.

آنچه ما در بخش کشاورزی دارا نیستیم، ابعاد فیزیکی مسأله نیست، بلکه ابعاد انسانی است، مدیریت، مهارت و علم و دانش است «دانش روستایی» که آن هم بعد از مطالعه همه جانبه روستاها و تهیه برنامه‌های عمرانی و بهسازی کوتاه مدت و درازمدت به دست می‌آید. ابعادی که تا این اواخر دست کم گرفته شده است، در صورتی که هیچ چیز در بخش کشاورزی و روستایی ما کارسازتر از تحقیق و مطالعه‌ای که منجر به تدوین برنامه‌های توسعه روستایی شود عملاً وجود ندارد. بنابراین، با توجه به تحلیلهای و شاخصها و ارقام ارائه شده، اهمیت پرداخت به توسعه مناطق روستایی بخوبی مشخص شده و بایستی به این مسأله به صورت «باید» نگریسته شود.